

۱۰. بی‌نهایت بزرگ، عظیم‌الجثه، غول‌پیکر، عظیم

- الف. خرچنگ عظیم‌الجثه در جستجوی غذا، در کف اقیانوس از این سو به آن سو حرکت می‌کرد.  
ب. اعدام‌های عمومی زمانی اجتماعات عظیمی را جذب می‌کرد.  
ج. شوالیه‌ی دلاور شمشیرش را بیرون کشید و ازدهای عظیم‌الجثه را کشت.

۱۱. پیشگویی کردن، پیش‌بینی کردن

- الف. هواشناسان بیشتر اوقات می‌توانند به درستی هوا را پیش‌بینی کنند.  
ب. چه کسی می‌تواند برنده‌ی جام برتر امسال را پیش‌بینی کند؟  
ج. «لورا» فکر می‌کرد می‌تواند پیش‌بینی کند من چه کار خواهم کرد اما اشتباه می‌کرد.

۱۲. محو شدن، ناپدید شدن

- الف. حتی در «کالیفرنیا» گاهی اوقات خورشید پشت ابری ناپدید می‌شود.  
ب. حتی یک جادوگر قدرتمند نمی‌تواند یک عاشق حسود را ناپدید کند.  
ج. یک هفته به او مهلت بده بیکار باشد و همه‌ی پول‌هایش ناپدید خواهد شد.

متن زیر را بخوانید تا به چگونگی کاربرد واژگان جدید در آن پی ببرید.

پنکه‌ای در هوا

این طریق هوا را صاف می‌کنند. پژوهشگران در یکی از آزمایش‌های اخیر برای سنجش فرضیه خود هلیکوپتری را از بالای فرودگاه «اسمیت ماونتین» نزدیک «رواناک» در «ویرجینیا» به درون مه فرود آوردند که به سختی قابل‌رؤیت بود. پره‌های هلی‌کوپتر باعث شد که هوا به پایین پخش شود و در ابرهای بالای فرودگاه سوراخ بزرگی باز شود. متخصصین هواشناسی پیش‌بینی می‌کنند که با هلیکوپترهای بزرگتر و گرانتر می‌توانند باعث ناپدید شدن غلیظ‌ترین مه شوند.

مه، یعنی قطرات ریز بخار آب، شرارت فرودگاه‌هاست. کارشناسان هواشناسی در تلاش برای رفع مه غلیظ از فرودگاه‌ها، از پنکه‌های بسیار بزرگ، نخ‌های نایلونی و مواد شیمیایی‌ای استفاده می‌کنند که یا از هوا بیما انداخته می‌شوند و یا از دستگاه‌هایی عجیب از زمین به طرف بالا شلیک می‌شوند. اگرچه هیچ چیز بخوبی سلاح جدید، یعنی هلیکوپتر، در نبرد علیه مه کارایی ندارد. پژوهشگران بر این باورند که اگر هوای خشک و گرم بالای مه را بتوان بنحوی به پایین و به درون لایه‌ی مرطوب مه راند، قطرات تبخیر می‌شوند و از

این تصویر کدامیک از واژگان بررسی شده در این درس را تداعی می‌کند؟ predict



10. **Enormous** / i'nɔ:məs / extremely large; huge
- The enormous crab moved across the ocean floor in search of food.
  - Public hangings once drew enormous crowds.
  - The gallant knight drew his sword and killed the enormous dragon.
11. **Predict** / prɪ'dɪkt / tell beforehand
- Weathermen can predict the weather correctly most of the time.
  - Who can predict the winner of the Superbowl this year?
  - Laura thought she could predict what I would do, but she was wrong.
12. **Vanish** / 'væniʃ / disappear; disappear suddenly
- Even in California the sun will sometimes vanish behind a cloud.
  - Not even a powerful witch can make a jealous lover vanish.
  - Give him a week without a job and all his money will vanish.

---

Read the following story to see how the new words are used in it.

### A Fan in the Air

Fog, tiny droplets of water vapor, is the villain of the airports. In an effort to eliminate dense fog from airports, weathermen utilize giant fans, nylon strings, and chemicals dropped from planes or shot upwards from strange machines on the ground. Nothing works as well, though, as a new weapon in the fight against fog: the helicopter. Researchers believe that if warm dry air above the fog could somehow be driven down into the humid blanket of fog, the droplets would evaporate, thus

clearing the air. In a recent experiment to test their theory the researchers had a helicopter descend into the fog above barely visible Smith Mountain Airport near Roanoke, Virginia. The blades of the helicopter caused the air to circulate downwards and an enormous hole in the clouds opened above the airport. Weathermen predict that with larger, more expensive helicopters they will be able to make the thickest fog vanish.

---

Which of the words studied in this lesson is suggested by the picture?



۱۰. فرستادن، انتقال دادن، ارسال کردن

- الف. پیام «گارسیا» به افراد ذریبط ارسال شد.
- ب. اکنون دانشمندان می‌توانند پیامهای سفینه‌های فضائی را به زمین ارسال کنند.
- ج. ایستگاه رادیوی محلی ما پس از نیمه شب برنامه‌ای پخش نمی‌کند.

۱۱. کاستن، تسکین دادن، آسوده و رها کردن، آزاد کردن

- الف. قرص‌ها درد ناشی از جراحی را که در درگیری نصیب شده بود، تسکین دادند.
- ب. اکثریت مردم می‌خواستند شهردار را از سمت خود برکنار کنند.
- ج. قرارداد صلح، ما را از تهدید حمله آسوده خاطر کرد.

۱۲. مبهوت کردن، متحیر ساختن، گیج کردن

- الف. اینکه چگونه چنین بازیکن متوسطی این همه پول بدست آورد، مرا متحیر ساخت.
- ب. مبحث نسبیت موضوع گیج‌کننده‌ای است.
- ج. «شرلوک هلمز» بی‌شک از نحوه‌ی ارتکاب جنایت مبهوت شده بود.

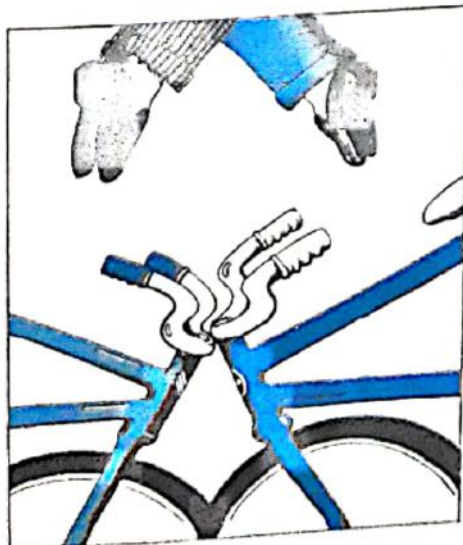
متن زیر را بخوانید تا به چگونگی کاربرد واژگان جدید در آن پی ببرید.

امنیت در هوا

سامانه مزیت دارد تنها به شرطی که هر هواپیما برای ارسال سیگنال به یک هواپیما و دریافت آن از هواپیمای دیگر مجهز باشد. اما بیشتر کارشناسان هوانوردی معتقدند که فقط سامانه‌ای این معضل را حل خواهد کرد که همه هواپیماهای آسمان را زیر نظر داشته باشد. معضلی که معمولاً تمام کسانی را که تلاش می‌کنند راه‌حلی را پیدا کنند گیج می‌کند.

همواره مصرانه‌ترین خواهش خلبانان خسته، دستگاهی بوده است که زمانی که در شرف برخورد با هواپیمایی از جلو هستند به آنها هشدار دهد. بررسی‌های الگوهای فرود تأیید می‌کند که تعداد برخوردها هر ساله در حال افزایش است و خلبانان صدها گزارش از برخورد احتمالی را تأیید می‌کنند. اخیراً دستگاهی طراحی شد که به شکل الکترونیکی هواپیماهایی را که از جلو می‌آیند پیش‌بینی می‌کند و شاید معضل خلبانان برای فرود یا صعود و انحراف به چپ و راست حل شود. این

این تصویر کدامیک از واژگان بررسی شده در این درس را تداعی می‌کند؟ collide



10. Transmit / trænz'mit / send over; pass on; pass along; let through
- Garcia's message was transmitted to the appropriate people.
  - Scientists can now transmit messages from space vessels to earth.
  - Our local radio station does not transmit broadcasts after midnight.
11. Relieve / r'li:v / make less; make easier; reduce the pain of; replace; release; free
- The pills relieved the pain from the wound I received in the conflict.
  - A majority of the population wanted to relieve the mayor of his duty.
  - The peace agreement relieved us of the threat of an attack.
12. Baffle / 'bæfl / be too hard to understand or solve
- How so mediocre a player earned so much money baffled me.
  - The topic of relativity is a baffling one.
  - Sherlock Holmes would undoubtedly have been baffled by the way the crime was committed.

Read the following story to see how the new words are used in it.

### Safety in the Air

The most persistent plea of weary pilots has always been for a machine that would warn them that they were about to collide with an oncoming airplane. Studies of landing patterns confirm that the number of collisions is increasing each year, and pilots verify hundreds of reports of near misses. Recently a system that would electronically anticipate oncoming airplanes was devised, and

the pilot's dilemma to dive or to climb, to detour to left or right, may be solved. The system has merit, though, only if every plane is equipped to transmit and receive a signal to and from an oncoming plane. But most aviation experts feel that only a system that watches every airplane in the sky will relieve a problem that tends to baffle every one who attempts to find a solution.

Which of the words studied in this lesson is suggested by the picture?

